

الأداب، ۱۳۸۶ق؛ **النهايه: الطوسی** (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش آغا بزرگ تهرانی، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۰ق؛ **نیل الاوطار: الشوکانی** (م. ۲۵۵ق.)، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۳م؛ **وسائل الشیعه: الحر العاملی** (م. ۱۱۰۴ق.)، به کوشش ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ **الوسیلة الی نیل الفضیله: ابن حمزه** (م. ۵۶۰ق.)، به کوشش محمد الحسون، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۰۸ق؛ **الهدایه: الصدوق** (م. ۳۸۱ق.)، قم، مؤسسه الامام الهادی علیه السلام، ۱۴۱۸ق.

محمود گودرزی



آدم ﷺ: انسان نخست، نخستین حج گزار، و احتمالاً بنیان گذار کعبه

این نام در قرآن و عهدین برای نخستین انسان به کار رفته و با اندک تفاوتی، افزون بر عربی در دیگر زبان‌های سامی مانند فینیقیایی، عبری، سریانی و مندایی آمده و علاوه بر اسم خاص به صورت اسم جنس معادل واژه انسان کاربرد یافته است.^۱

در مبدأ اشتقاق آدم و معنای آن، اختلاف است. گروهی از واژه‌پژوهان و مفسران کتاب مقدس، اصلش را عبری یا سریانی و ریشه آن را واژه «آدم» - مؤنث: «آدمه» - به معنای زمین،

۱. واژه‌های دخیل، ص ۱۰۶-۱۰۷.

خاک، یا خاک سرخ دانسته و به کاربرد این دو واژه در سفر پیدایش^۲ استناد کرده‌اند.^۳ اما برخی از لغویان مسلمان آن را از ریشه عربی مشتق دانسته و درباره مبدأ اشتقاق آن احتمال‌هایی را یاد کرده‌اند^۴ که نزدیک به معنای عبری و سریانی است. ریشه‌های مشابه این واژه با معانی نزدیک به مفاهیم پیش گفته، در زبان‌های بین‌النهرینی کهن نیز گزارش شده‌اند^۵ که از پیشینه کهن این ریشه و اشتراک کاربرد آن در شماری فراوان از زبان‌های سامی حکایت دارد.

ادیان ابراهیمی و نیز دیگر دین‌ها و آیین‌های اقوام سامی، سرگذشت نسبتاً مشابهی را در آفرینش و استقرار انسان نخستین در زمین روایت کرده‌اند. در قرآن کریم (برای نمونه: بقره/۲، ۳۰-۳۸؛ اعراف/۷، ۱۹-۲۵) و عهد عتیق^۶ داستان حضرت آدم از چگونگی خلقت از خاک و شکل‌گیری بدن و دمیدن روح در او به تفصیل بیان شده که درباره هر یک از این مراحل و ابعاد مختلف آن به ویژه موضوع آفرینش یکباره یا تدریجی، آرای

۲. نک: کتاب مقدس، پیدایش، ۱: ۷.

۳. تفسیر الكتاب المقدس، ج ۱، ص ۱۴۸؛ واژه‌های دخیل، ص ۱۰۶-۱۰۷.

۴. العین، ج ۸، ص ۸۸؛ الصحاح، ج ۵، ص ۱۸۵۸-۱۸۵۹؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۷۱-۷۲، «آدم».

5. Judaica, vol2, p235.

۶. کتاب مقدس، سفر پیدایش، ۱: ۲۶-۳۰: ۲.

گونگون در دست است.^۱

مکه.^۶

◀ **هبوط آدم ﷺ:** آدم ﷺ و همسرش حوا^۱ پس از خوردن میوه ممنوع، همراه شیطان از بهشت به زمین هبوط کردند. درباره نوع بهشت آدم و شیوه هبوط و فلسفه خوردن از میوه ممنوع، آرای گوناگون مطرح شده است.^۲ در قرآن و تورات، مکان هبوط مشخص نیست. در روایات اسلامی چندین دیدگاه در این باره ارائه شده است. بر پایه روایتی منسوب به امام علی ﷺ آدم در کوه سرانندیب هندوستان و حوا^۳ در جده هبوط کردند.^۴ در گزارشی آمده که آدم بر کوه صفا و حوا^۵ بر کوه مروه فرود آمد و نام گذاری صفا به مناسبت لقب آدم «صفی الله» و نامگذاری مروه به مناسبت هبوط همین زن (مراه) بر آن است.^۶ مشهورترین گزارش در روایات آن است که آدم و حوا در سرزمین مکه هبوط کردند.^۷ گروهی نیز برای جمع میان روایات، هبوط را دارای دو مرحله دانسته‌اند: نخست در سرانندیب و سپس در

نیز در برخی روایات، از هبوط حجرالاسود از بهشت همراه هبوط آدم ﷺ یاد شده است.^۸ دیگر روایات به صورت مطلق از هبوط حجرالاسود برای آدم ﷺ یاد می‌کنند.^۹ درباره پذیرش توبه آدم نیز از نزول جبرئیل در خانه خدا سخن رفته که نورش سراسر حرم را فراگرفت و سپس از آدم خواسته شد که روز ترویبه^{*} غسل کند و احرام بندد و در منا بیتوته کند. سرانجام در عرفات، کلماتی را از جبرئیل دریافت که با گفتن آن‌ها توبه‌اش پذیرفته شد و آن‌گاه دیگر اعمال حج را به جا آورد.^{۱۰}

◀ **بنای کعبه:** نقش حضرت آدم ﷺ در بنای کعبه، به اظهار نظر درباره زمان پیدایش کعبه بستگی دارد و درباره آن اختلاف ورزیده‌اند. در برخی روایات شیعه و سنی، از وجود کعبه پیش از حضرت آدم ﷺ یاد شده^{۱۱} و گزارش حج فرشتگان پیش از آدم که در برخی روایات آمده، همین سخن را تأیید می‌کند.^{۱۲} در بعضی از گزارش‌ها، سابقه وجود

۱. برای نمونه نک: میزان، ج ۴، ص ۱۴۳؛ ج ۱۶، ص ۲۵۵.

۲. برای آگاهی بیشتر نک: التفسیر الکبیر، ج ۳، ص ۲-۲۸؛ میزان، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۵۴.

۳. علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۹۵؛ کشف‌الاسرار، ج ۱، ص ۱۵۱؛ التفسیر الکبیر، ج ۳، ص ۲۷؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۱۱؛ ج ۶۱ ص ۲۷۴.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۱۹۰؛ میزان، ج ۱، ص ۱۳۹.

۵. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۶-۳۹؛ تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۱، ص ۸۸؛ الکافی، ج ۴، ص ۱۹۰.

۶. میزان، ج ۱، ص ۱۵۰.

۷. کمال الدین، ص ۲۹۴، ۲۹۸؛ تفسیر العز بن عبدالسلام، ج ۳، ص ۲۸۹.

۸. الکافی، ج ۴، ص ۱۸۵؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۱۸.

۹. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۴-۴۵.

۱۰. مسند الشافعی، ج ۱۱۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۵۰.

۱۱. الکافی، ج ۴، ص ۱۹۴؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۳۰؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۳۰.

کعبه به بیش از ۲۰۰۰ سال پیش از دَحُو الارض* بازمی‌گردد.^۱ مفسران معمولاً ذیل آیه ﴿إِنَّ أَوَّلَ نَبِيٍّ وَضَعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَنَىٰ مَبَارَكًا...﴾ (آل عمران ۳/ ۹۶) به ذکر این دسته روایات پرداخته و این آیه را مؤید آن‌ها گرفته‌اند.^۲ تصور این که کعبه پیش از گستراندن زمین (دحو الارض) بنا شده باشد، دشوار است و همین سبب تضعیف روایات اخیر می‌شود یا دست کم برداشت تأویلی از آن‌ها را الزامی می‌سازد. در دسته دیگری از روایات، آدم ﷺ نخستین بنیان‌گذار کعبه و نیز بیت المقدس شمرده شده است.^۳ در روایتی از وهب بن منبه، شیث فرزند آدم سازنده کعبه معرفی شده است.^۴ در برابر، شماری فراوان از محدثان و مفسران به استناد روایاتی، حضرت ابراهیم ﷺ را نخستین بنیان‌گذار کعبه شمرده^۵، هیچ نقشی برای آدم در این زمینه برنمی‌شمرند و اساساً وجود کعبه را در آن زمان نمی‌پذیرند. آلوسی برای جمع میان این دیدگاه‌ها، بر این باور است که نخستین بار فرشتگان پیش از هبوط

آدم کعبه را بنا کردند. سپس آدم و پس از او شیث و سرانجام ابراهیم آن را احیا و بازسازی نمودند.^۶ شیوه راهیابی آدم به مکان کعبه نیز در برخی روایات مورد توجه قرار گرفته است. گفته‌اند پرنده‌ای به نام «صرد» که کمی بزرگ‌تر از گنجشک و صیاد آن است^۷ به همراه آدم از بهشت هبوط و او را در رسیدن به مکه و یافتن مکان دقیق کعبه راهنمایی کرد^۸ و نیز رهنمون او در بنای آن بود. به همین سبب از شکار این پرنده نهی شده است.^۹

این روایات با احادیث دیگر که جبرئیل را راهنمای آدم در یافتن خانه کعبه می‌شمرند (← همین مقاله: حج آدم) ناسازگارند. با توجه به پیامبری حضرت آدم ﷺ و امکان نزول جبرئیل بر او، موضوع این پرنده بعید به نظر می‌رسد.

◀ **حج آدم:** در کتاب کافی بابی مستقل به موضوع حج آدم اختصاص یافته و در روایاتی چند به شرح کامل و تفصیلی شیوه حج‌گزاری او اشاره شده است.^{۱۰} در آغاز،

۱. الکافی، ج ۴، ص ۱۹۸؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۷۷.

۲. نک: جامع البیان، ج ۱، ص ۷۶۲.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۱۸۸؛ عمدة القاری، ج ۱۵، ص ۲۶۲؛ شرح سنن النسائی، ج ۲، ص ۳۳.

۴. الاستذکار، ج ۴، ص ۱۸۵؛ تفسیر قرطبی، ج ۲، ص ۱۲۲؛ فتح الباری، ج ۶، ص ۲۸۵.

۵. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۱۶؛ جامع البیان، ج ۱، ص ۷۶۳؛

تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۲۶.

۶. روح المعانی، ج ۴، ص ۵.

۷. العین، ج ۷، ص ۹۷؛ «صرد».

۸. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۹۴؛ وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۱۴۸؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۷۸.

۹. مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۱۲۱.

۱۰. الکافی، ج ۴، ص ۱۹۰-۱۹۷.

معصومان علیهم السلام یا احادیث مرسل آمده است. در برخی از این روایات، آمده که آدم ۱۰۰۰ بار پیاده از هندوستان حج گزارد^۷؛ اما با توجه به درازای این مسافت، چنین روایاتی نقدپذیر به نظر می‌رسند.

در نقد مجموعه روایات مربوط به نقش آدم در بنای کعبه و حج‌گزاری‌های او گفته شده که ظاهر آیه شریف *﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ...﴾* (بقره/۲، ۱۲۷) از تأسیس کعبه به دست ابراهیم و نبود آن پیش از وی حکایت دارد. بدین ترتیب، روایات نقل شده در این موضوعات، ساخته و پرداخته قصاص‌ها و از جمله اسرائیلیات خرافی به شمار می‌روند. نیز شکل و شمایل اسطوره‌گونه خانه خدا و حجرالاسود که در این‌گونه روایات آمده، هیچ نقشی در بزرگی و تقدس خانه خدا ندارد. این روایات از تناقض درونی و نیز تعارض با قرآن رنج برده، فاقد اعتبارند.^۸ علامه طباطبایی پس از نقل کامل این نقدها، آن روایات را *فی الجملة می‌پذیرد*، لیکن اندکی مبالغه‌آمیز می‌شمرد. به عقیده وی، به رغم برخی ناسازگاری‌های جزئی هریک با دیگری، حد جامع و مشترکی میان همه این روایات وجود دارد و این حد مشترک دارای تعارض با قرآن

۷. صحیح ابن خزیمه، ج ۴، ص ۲۴۵؛ فقه القرآن، ج ۱،

ص ۲۹۲.

۸. المنار، ج ۱، ص ۳۸۳.

جبرئیل از جانب خدا، مکان کعبه را به آدم نشان داد و از وی خواست که مکانی مشخص را که زیر ابری قرار داشت و دقیقاً مقابل بیت‌المعمور* در آسمان بود، با پایش خط‌کشی کند و آن‌گاه کعبه از درون بلوری شفاف از همین مکان بیرون آمد. سپس وی مناسک حج را گام به گام و بدین شرح به آدم آموخت. نخست او را به عرفات برد و از وی خواست که غروب گاهان استغفار کند. سپس او را به بطحا برد و در آن‌جا نیز استغفار هنگام طلوع را توصیه کرد. آن‌گاه رفتن به منا و انجام قربانی و رمی جمرات و نیز حلق و تقصیر و سرانجام هفت شوط طواف و طواف نساء را آموزش داد. نیز جبرئیل علیه السلام در انجام حلق و قربانی و دیگر مناسک حج به یاری آدم برخاست.^۱ همچنین از تعداد حج‌های آدم یاد شده و اختلاف‌هایی در این باره وجود دارد: ۳۰، ۴۰، ۷۰ یا ۷۰۰^۵ و ۱۰۰۰^۶. این شماره‌ها معمولاً در روایاتی از غیر

۱. الکافی، ج ۴، ص ۱۹۶-۱۹۷.

۲. علل الشریع، ج ۲، ص ۵۹۴.

۳. تفسیر تعلی، ج ۱، ص ۲۷۴؛ تفسیر بغوی، ج ۱، ص ۱۱۵؛ الکامل، ج ۱، ص ۳۸.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۲۰؛ وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۱۴۸؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۷۸.

۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۲۸.

۶. صحیح ابن خزیمه، ج ۴، ص ۲۴۵؛ عوالی اللئالی، ج ۲، ص ۹۷؛

جامع احادیث الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۰.

و استحاله عقلی نیست. البته این توجیه در خصوص روایات معصومان علیهم السلام پذیرفتنی است؛ اما روایات صحابه و تابعین حجیت شرعی ندارند و سخن اینان به سان دیگر مردم است. بنابر این تنها روایات صریح در مخالفت با قرآن یا سنت قطعی را باید کنار گذاشت و دیگر روایات به مجرد استبعاد نباید نادیده گرفته شوند. تنها در اصول اعتقادی و معارف دینی است که قرآن و سنت قطعی حجیت دارد؛ اما در غیر آن می توان به ادله ظن آور نیز در حد خود اعتماد کرد.^۱

◀ منابع

الاستذکار: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش سالم محمد و محمد علی، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰م؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ تفسیر ابن ابی حاتم (تفسیر القرآن العظیم): ابن ابی حاتم (م. ۳۲۷ق.)، به کوشش اسعد محمد، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۱۹ق؛ تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم): ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۹ق؛ تفسیر العزین عبدالسلام: عزالدین عبدالسلام (م. ۶۶۰ق.)، به کوشش عبدالله بن ابراهیم، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۱۶ق؛ تفسیر العیاشی: العیاشی (م. ۳۲۰ق.)، به کوشش رسولی محلاتی، تهران، المكتبة العلمیة الاسلامیة؛ تفسیر القمی: القمی (م. ۳۰۷ق.)، به کوشش الجزائری، قم، دار

الکتاب، ۱۴۰۴ق؛ تفسیر الکتاب المقدس (شرح الانجیل): العهد القديم و العهد الجديد، کنيسة الأنا تکلا هيمانوت، مصر، الاسكندريه؛ التفسیر الكبير: الفخر الرازی (م. ۶۰۶ق.)، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۳ق؛ تفسیر بغوی (معالم التنزیل): البغوی (م. ۵۱۰ق.)، به کوشش خالد عبدالرحمن، بیروت، دار المعرفة؛ تفسیر ثعلبی (الکشف والبيان): الثعلبی (م. ۲۲۷ق.)، به کوشش ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق؛ تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن): القرطبی (م. ۶۷۱ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۱ق؛ جامع احادیث الشیعه: اسماعیل معزی ملایری، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۹۹ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۴۰ق.)، به کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ الدر المنثور: السيوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق؛ روح المعانی: الآكوسى (م. ۱۲۷۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ السنن الكبرى: البيهقي (م. ۴۵۸ق.)، بیروت، دار الفکر؛ شرح سنن النسائي: السيوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، المكتبة العلمیه؛ الصحاح: الجوهري (م. ۳۹۳ق.)، به کوشش العطار، بیروت، دار العلم للملايين، ۱۴۰۷ق؛ صحیح ابن خزيمة: ابن خزيمة (م. ۳۱۱ق.)، به کوشش محمد مصطفی، المكتب الاسلامی، ۱۴۱۲ق؛ صحیح البخاری: البخاری (م. ۲۵۶ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق؛ علل الشرايع: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش بحر العلوم، نجف، مكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ق؛ عمدة القاری: العینی (م. ۸۵۵ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ عوالی اللثالی: ابن ابی جمهور (م. ۸۸۰ق.)، به کوشش عراقی، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۳ق؛ العین: خلیل (م. ۱۷۵ق.)، به کوشش المخزومی و السامرائی، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ عیون اخبار

۱. المیزان، ج ۱، ص ۲۹۲-۲۹۳.

آذربایجان: کشوری مسلمان در جنوب

قفقاز؛ دارای نقش عمده در مسیر و تاریخ

حج

آذربایجان از کشورهای عضو کنفرانس اسلامی است که همه ساله حدود ۴۰۰۰ نفر از ساکنان آن حج می‌گزارند.^۱ این کشور در سده‌های دهم تا سیزدهم هجری بخشی مهم از مسیر حج اهالی ماوراءالنهر و ایران را تشکیل می‌داده و از این رو در تاریخ حج گزارى مسلمانان آسیا اهمیت داشته است.^۲

جمهوری آذربایجان در شرق منطقه قفقاز جنوبی، از شمال با روسیه، از شمال غربی با گرجستان، از جنوب با ایران، از غرب با ارمنستان، و از طریق منطقه خودمختار نخجوان با ترکیه هم‌مرز است و از شرق به دریای مازندران محدود می‌شود. (تصویر شماره ۲) مساحت این کشور ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع است.^۳ زبان رسمی آن آذری و پایتختش شهر باکو است. جمعیت جمهوری آذربایجان حدود هشت میلیون نفر است. مذهب ۷۰ درصد از مردم آن تشیع و ۳۰ درصد سنی حنفی است.^۴

1. www.en. apa. az

۲. تاریخ حج‌گزاری ایرانیان، ص ۱۷۰.

۳. جغرافیای کامل قفقاز، ص ۹۵-۱۰۰.

۴. دائرة المعارف الشيعيه، ج ۲، ص ۶۷؛ www.cia.gov

الرضا عليه السلام: الصدوق (م. ۳۸۱ق)، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۴ق؛ فتح الباری: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق)، بیروت، دار المعرفه؛ فقه القرآن: الراوندی (م. ۵۷۳ق)، به کوشش حسینی، قم، کتابخانه نجفی، ۱۴۰۵ق؛ الکافی: الكلینی (م. ۳۲۹ق)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ الکامل فی التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ کتاب مقدس: ترجمه: فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰ش؛ کشف الاسرار: مبدی (م. ۵۲۰ق)، به کوشش حکمت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱ش؛ کمال الدین: الصدوق (م. ۳۸۱ق)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۵ق؛ مستدرک الوسائل: النوری (م. ۱۳۲۰ق)، بیروت، آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق؛ مسند الشافعی: الشافعی (م. ۲۰۴ق)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ معجم مقاییس اللغه: ابن فارس (م. ۳۹۵ق)، به کوشش عبدالسلام محمد، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ق)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ المنار: رشید رضا (م. ۱۳۵۴ق)، قاهره، دار المنار، ۱۳۷۳ق؛ المیزان: الطباطبایی (م. ۱۴۰۲ق)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق؛ نور الثقلین: العروسی الحویزی (م. ۱۱۱۲ق)، به کوشش رسولی محلاتی، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ش؛ واژه‌های دخیل در قرآن مجید: آرتور جفری، ترجمه: بدره‌ای، تهران، توس، ۱۳۷۲ش؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق)، قم، آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۲ق.

Judaica, Letterpress Enterprises,
Jerusalem, 1996.

علی شیخ

